

به نام خدایی که در این برزخ است

۱۵۳۷.۲۰

قدرت مدارها ساخت انسان نوع دومی ارتقای مدل ذهنی

محبت قادری پایه

۱۳۹۶

مؤسسه آموزشی تألیفی ارشدان

شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۸۸۸۰-۴۴-۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۸۸۳۲۶۳
عنوان و نام پدیدآور	:	قدرت مدارها شناخت انسان نوع دومی ارتقای مدل ذهنی/ محبت قادری زاده.
مشخصات نشر	:	تهران: موسسه آموزشی تالیفی ارشدان، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	:	۷۶ ص.
موضوع	:	پرورش ذهن
موضوع	:	Mental discipline
رده بندی دهلی	:	۱۵۳/۴۲
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۶BF۶۳۲ ۴ق۲/ق
سرشناسه	:	ادری زاده، محبت، ۱۳۶۴ -
وضعیت فهرست نویسی	:	ف. ا.



مؤسسه آموزشی تالیفی ارشدان

قدرت مدارها شناخت انسان نوع دومی ارتقای مدل ذهنی

محبت قادری زاده

آموزشی تالیفی ارشدان

اول

اول ۱۳۹۶

www.irantypist.com

www.irantypist.com

۹۷۸-۶۰۰-۸۸۸۰-۴۴-۸

۱۰۰۰

www.arshadan.com

www.arshadan.net

۰۲۱۴۷۶۲۵۵

۲۰۰۰ تومان

■ نام کتاب:

■ تألیف:

■ ناشر:

■ ویرایش:

■ نوبت چاپ:

■ حروفچینی و صفحه آرایی:

■ طراح و گرافیکست:

■ شابک:

■ شمارگان:

■ مرکز خرید آنلاین:

■ مرکز پخش و توزیع:

■ قیمت:

حق کپی برداری پیگرد قانونی دارد و تنها متعلق به مولف کتاب است بزنید

پیشگفتار

فرصت زندگی فقط یک بار است و بس. به قول مرحوم جان اف کندی: اگر ما نه؟ پس چه شخصی؟ اگر الان نه پس چه زمانی؟ اگر می‌بینید تمامی این کرات باثبات خاصی در مدار خود قرار گرفته‌اند و خود با دیگر مدارهای کرات با نظم خاصی قرار گرفته‌اند با آنکه در خود تغییرات جزئی و بی‌نظمی‌هایی صورت می‌گیرد اما مدارشان ثابت است. اوج پختگی یک انسان وقتی است با همه بی‌نظمی‌ها و نظم‌ها و موفقیت‌ها و شکست‌ها و تغییرات دیگران و محیط روی او؛ مانع آن نشوند ثبات مدار خود را از دست بدهد. باید همیشه این مدار را ثابت نگه داریم تا هیچ‌وقت از چیزی نترسیم و در مقابل تغییرات ثابت باشیم و هم‌زمان خودمان هم به بی‌کنیم اما باید بدانیم نباید بگذاریم هیچ چیز ثبات مدار ما را به خطر بیندازد. حسی که گاهی خوشحالی از کسب یک موفقیت آن‌چنان ما را غافل سازد که قدرت ثبات مدارمان را از دست بدهیم و همین‌طور در مورد شکست‌ها. برای همین در این کتاب به تکرار گفته‌ام که همیشه مدار خود را بدون تغییر نگه داریم ولی این به معنای تغییرات را قبل از آن نیست یا دنبال موفقیت و شکست رفتن نیست. بلکه باید بدانیم مدار ما نوعی خردشناسی است یعنی بدانیم چه کسی هستیم مدار و چرخه‌ی خود را پیدا نماییم و دنبال مدار کل یعنی خداشناسی یا همان یگانگی هم باشیم و بدانیم اگر قرار است از لذت بودن پرورده‌ای و مدار اصلی این زندگی برخوردار شویم اول باید قدرت ثبات پیدا کنیم تا جزئیات و مسائل روزمره باعث نشوند این دو مدار اصلی یعنی خویشتن‌شناسی و خداشناسی را از یاد داریم مدار کوچک‌تر که هر انسانی دارد زمانی باعث آرامش انسان می‌شود که از مدار بی‌انگهی و یگانگی حق جدا نشود و یگانگی را باور داشته باشد. برای همین موفقیت و شکست و سروت و فقر همه چیز نیستند مهم این است انسان حس‌رهایی را در کنار بنده بودنش حس کند ولی این مهم زمان‌بر است. وقتی ما صد را داشتیم نود هم پیش ماست؛ و مثل خانه‌ای باشیم که برف و باران و گرما را تجربه می‌کند اما اصل خانه تغییر نمی‌کند و نباید گذاشت موانع و اثرات بیرونی خانه‌ی وجودمان را نابود کنند.

در این کتاب سعی شده با مدار و چرخه خودمان آشنا شویم و به ثبات برسیم و انسان نوع دومی خود را بشناسیم و ذهن خود را در یادگیری تقویت نماییم. این کتاب باید چندین بار برای درک بهتر آن مرورش نمایید. حتی اگر برای تقویت ذهن و ارتقای آن

نیاز ندارید و تنها دنبال ثبات می‌گردید ناچارید برای فرزندان‌تان هم که شده کل کتاب را بخوانید تا آموزش‌شان دهید از همان بچگی دارای ذهنی قوی باشند و ارتقای ذهن با تمرین شدنی می‌باشد. ذهن شما در ابتدا این کتاب را بیگانه می‌داند و جذاب؛ اما به مرور زمان نباید آن را کنار گذاشت چون که برای رویتن شدن باید سختی و ممارست زیاد کشید تا بعدش مثل گلوله برفی شوید که وقتی آن را درست می‌کنید اوایل سخت است اما بعد از مدتی که برف کمی جمع شد خود آن برف، برف‌های بیشتری جذب می‌نماید و گلوله برفی شما بزرگ‌تر و بزرگ‌تر می‌شود و تنها شما کافی است باشید و با اندکی زور هر لحظه این گلوله‌ی برفی را بزرگ‌تر نمایید همین... همه چیز را همگان دانند پس برای ثبات و رشد باید خیلی چیزها رو خواند و تجربه کرد. امیدوارم این کتاب در راه خوشبختی و ثبات قدم و آرامش به شما کمک نماید و کاستی بود ببخشید چون که همه انسان‌ها هستیم و هر روز باید تجربه نماییم.

چیزی که من یادداشت به نوشتن این کتاب، چیزی جز این نبود: چه شخصی هستم؟ آیا من خود واقعی‌ام هستم؟ آیا جهان برای من ساخته شده یا جهان برای ما یا هر دو برای هم؟ چرا گاهی استیلا و آرامش دارم گاهی خیلی چیزها از دست من خارج است؟ چرا گاهی دلتنگ چیزی می‌شوم نه من را ساخته؟ و اصلاً حق دارم بپرسم کی است و چرا من را آفریده است، دیگران چه اشخاصی هستند؟ موفقیت چیست؟ آیا همیشه خوب است؟ شکست چیست؟ آیا همیشه بد است؟ چرا بعضی‌ها زود می‌میرند و بعضی دیرتر؟ نهایت قدرت ذهن تا کجاست؟ چکار کنم تا در این بازی این جهان با نهایت آرامش عبور کنم؟ مرحله بعد زندگی و پسامرگ چیست؟ چرا انسان نه بیشتر دنبال کلیات می‌رود و انسان ماده بیشتر دنبال جزییات؟ چرا از نظم گاهی بی‌نظمی، و از بی‌نظمی گاهی نظم به وجود می‌آید؟ چرا نظم و بی‌نظمی با همه‌ی تناقض‌شان؛ ما به آن‌ها محتاجیم؟ چرا گاهی خوشحالیم و گاهی ناراحت؟ این بازی تا چه زمانی ادامه دارد؟ گاهی من زنبور ریز عسل می‌شویم که برای ارضای نیازهایمان هم از لحاظ روحی هم از لحاظ مادی باید از این شاخه به آن شاخه بپریم و از گرده‌ی گل‌ها ذره‌ذره برداریم تا باهم در این محیط دوام بیاوریم البته اگر زنبورهای قرمز در هوا ما را نخورند یا مورچه‌ها در زمین؛ کندوی ما را ویران نکنند. واقعاً این چرخه چیست؟ آیا جواب همه این سؤالات این است که واقعاً در خوابیم؟ خواب می‌بینیم؟ واقعیت دارد که حقیقت از روز ازل بوده؟ و حقیقت دارد که واقعیت در هر لحظه توان اتفاق افتادنش هست؟ چرا این همه بحث و جدل در طول

تاریخ به وجود آمده؟ خیلی کتاب‌ها خواندم گاهی خوب بودند گاهی نه. گاهی گمراه‌تر شدم گاهی تشنه‌تر. گاهی بیدارتر شدم گاهی غافل‌تر... فهمیدم که در این چرخه و مدار مهمان هستیم. هر مهمانی تا حدی می‌تواند خوشحالی کند و بیاشامد بنالد و بشکند ولی همیشه در این سؤال مانده‌ایم که این مهمان در کجا زیاده‌روی کرده و کجا نه؟ صاحب‌خانه کجاست؟ هم من را، آزاد ساخته هم بنده. به راستی با چه هنرمندی سروکار دارم که هم آزادم اما نه تا هر جا و هم از سرنوشت نامعلومم پی می‌برم؛ باید به جایی بند باشم.

گاهی نوشتن، آامش می‌دهد و خواندن سکوت.

کودکی جزیره‌ی رؤیاهاست و این جزیره در پیری متروکه‌ای بیش نیست؛ اما وقتی بچه بودم و خوشیدم... می‌کرد حس می‌کردم منم باید با آمدنش طلوع کنم و بیرون بروم. امیدوارم مثل... درون باز هم باورم قوی‌تر شود که هر کدام از ما مثل ذره‌ای از نور خورشیدیم، قوی و... هستیم که هم آزادیم و هم بنده‌ایم پس تا زمان مهمانی تمام نشده هم آزادی‌گی نماییم و... و در جایی یاد جمله مرحوم بروس لی افتادم که گفته بود: هیچ‌وقت دوست ندارم مرد شماره یک باشم و هیچ‌وقت دوست ندارم مرد شماره دو باشم.

آری، فهمیدم که نه مبدأ مهم هست نه مصلد، چون که هر دو بهانه‌اند، فهمیدم سفر یعنی همه چیز، سفر یعنی همه‌ی جواب سؤال‌های با... و... سوالات. سفر یعنی من و شما یعنی شکست و موفقیت یعنی نظم و بی‌نظمی، سفر یعنی همیشه در حال تابیدن... سفر یعنی شوق وصال و غم هجرت، سفر یعنی نه اول بودن و نه آخر بودن و مهم تلاش و تجربه اندوختن بی‌وقفه است... باید همیشه بود تا زمانی که... و زمانی که رفتیم دوباره می‌شویم یکی...ولا غیر.

فهرست مطالب

۱۳.....	هنر بی‌رقیب
۱۴.....	شناخت و اثرات جالب آن
۲۰.....	قدرت مدارها
۲۲.....	انسان نوع دومی
۲۶.....	مدل آبراهام مازلو
۳۰.....	ذهن و خصوصیات آن
۳۲.....	ساختن شبکه‌های ذهنی
۳۵.....	بی‌ذهنی
۴۰.....	اکتساب‌ها و انتساب‌ها
۴۱.....	آمیخته نمودن انتساب‌ها و اکتساب‌ها با قدرت تکرار و ذهن
۴۸.....	ارتقای مدل ذهنی
۵۲.....	نمودار روند یادگیری ذهن انسان
۵۳.....	تحقیقات میدانی
۵۷.....	نمودار اول (تحلیل پرسشنامه‌ی پاسخ‌دهندگان نمونه‌ی جامعه‌ی آماری)
۶۰.....	نمودار دوم (تحلیل پرسشنامه‌ی پاسخ‌دهندگان جامعه‌ی آماری)
۶۳.....	نمودار سوم (تحلیل پرسشنامه‌ی پاسخ‌دهندگان نمونه‌ی جامعه‌ی آماری)
۶۷.....	نمودار چهارم (تحلیل پرسشنامه‌ی پاسخ‌دهندگان نمونه‌ی جامعه‌ی آماری)
۶۷.....	سخن آخر
۶۹.....	منابع
۷۱.....	تصویر اتحاد روح و جسم و ذهن